

نشست تخصصی

بن بست مذاکرات و سناریوهای پیش رو



مرکز تحلیل
راهبردی و بین الملل



@ISACenter



باسمه تعالی

مشروح نشست بررسی بن بست مذاکرات و سناریوهای پیش رو

مقدمه

برجام یا برنامه جامع اقدام مشترک، چندسالی است که تبدیل به موضوع اصلی سیاست خارجی ایران شده است. علی‌رغم خروج آمریکا از برجام و اعلام پایان آن از سوی بسیاری، همچنان کشورمان با چالش‌های متعدد ناشی از برجام دست‌وپنجه نرم می‌کند. مهرماه ۱۴۰۲ یا اکتبر ۲۰۲۳ یکی از موعدهای مهم برجام است، به این معنا که بندغروب تحریم‌های موشکی فرارسیده و تحریم‌های این حوزه برداشته خواهد شد. از سوی دیگر طرف‌های غربی برجام با هدایت آمریکا قطعاً بیکار نخواهند نشست و تمام تلاش خود را خواهند کرد تا جمهوری اسلامی ایران از این مزیت برجام بهره‌ای نبرد. یکی از اصلی‌ترین تهدیدهای مطرح‌شده علیه ایران استفاده از مکانیسم ماشه است. امکان فعال‌شدن این مکانیسم از سوی تمام اعضا برجام وجود دارد، اما هراس از عواقب پس از فعال‌شدن آن، احتمال انجام این امر را به حداقل رسانده یا به آخرین گزینه ممکن تبدیل کرده است. در همین راستا مرکز تحلیل راهبردی و بین‌الملل نشست‌های بن بست مذاکرات و سناریوهای پیش‌رو، با حضور آقایان دکتر ناصر هادیان و دکتر کیهان برزگر از اساتید برجسته دانشگاه، و آقای دکتر مهدی خانعلی‌زاده کارشناس امنیت بین‌الملل برگزار کرده است تا با بررسی احتمالات آینده‌ی فضای بین‌المللی با در نظر گرفتن تحرکات بازیگران این حوزه، سناریوهای پیش‌رو را بررسی کند.





شرح نکات مطرح شده

در ابتدای این نشست آقای محمد کاظمی به تشریح اهمیت برهه‌ی کنونی تا بند غروب اکتبر سال جاری پرداختند. ایشان با اشاره به اینکه بند غروب پیش‌رو علاوه بر پایان تحریم‌های موشکی، شامل بحث پهبادی نیز خواهد شد گفتند: «در صورت تداوم روند کنونی، در آن زمان کشور در حوزه سیاست خارجه وارد یک جدل با آمریکا خواهد شد. شواهد هم نشان می‌دهد که غربی‌ها در حال آماده‌سازی شرایط برای چالش پیش‌رو هستند که آن را به نفع خود تمام کنند.» آقای کاظمی ضمن بازخوانی روند مذاکرات در دولت فعلی، بیان داشتند که شروع مذاکرات توسط آقای باقری و تیم جدید در آذرماه ۱۴۰۰ بود و در اواخر مرداد ۱۴۰۱ نیز به پایان رسید. ایشان سپس به متن ارائه شده توسط جوزپ بورل و عدم توافق بر سر آن اشاره کردند، و مطالبات ایران از مذاکرات را راستی‌آزمایی لغو تحریم‌ها، تضمین عدم خروج مجدد آمریکا، و بسته شدن پرونده ایران در حوزه پادمان برشمردند.

ایشان به حساسیت‌هایی که اخیراً ایجاد شده و تأثیرات آن بر روند مذاکرات پرداختند و گزارشات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص ساخت راکتور آب‌سبک اصفهان، انجام غنی‌سازی ۶۰ درصد، نصب آبشارهای IR۶، و همچنین حواشی استفاده از پهبادهای ایرانی در جنگ روسیه را به عنوان مسائلی که حاصل شدن نتیجه را سخت‌تر کرد قلمداد کردند.

در ادامه آقای کاظمی ناآرامی‌های پس از فوت مهسا امینی و التهاب بازارهای داخلی ایران را به عنوان عناصر برهم زدن آرامش روانی جامعه ارزیابی کردند، و با بیان رسیدن به بن‌بست در مذاکرات در جمع‌بندی خود در خصوص اقدامات آمریکا گفتند:

«آمریکا برای همان موعد اکتبر ۲۰۲۳ و دعوا حقوقی با ایران، نیاز به پرونده‌سازی علیه برنامه نظامی و موشکی و پهبادی ایران دارد که بتواند هم شرکا و هم فضای بین‌المللی را متقاعد کند که ایران کشور خطرناکی است و پهبادهای ایران چنین خطری را متوجه جهان می‌کند. لذا زمینه‌سازی‌های حقوقی و رسانه‌ای را برای این کارها آماده می‌کنند. تنش‌ها با رژیم صهیونیستی مقداری این چند وقت بالا گرفته است که نیازمند توجه است.»

سپس آقای دکتر ناصر هادیان به تلاش‌هایی که برای محدود شدن قدرت رئیس‌جمهور آمریکا در خصوص تصمیم‌گیری پیرامون مذاکرات انجام می‌شود اشاره و براین نکته تأکید کردند که اراده شخص جو بایدن نیز بسیار اثرگذار است. آقای هادیان ضمن ابراز نارضایتی از روند مذاکرات، عدم شناخت صحیح از نظام بین‌الملل از سوی تیم مذاکره‌کننده‌ی ایران و رد و بدل شدن متن‌های بی‌فایده را در خلال مذاکرات مورد انتقاد قرار دادند.





استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه در صورت تداوم وضع موجود، گزینه‌هایی چون فریز در برابر فریز یا توافق موقت مطرح است، کماکان برجام را بهترین گزینه در دسترس توصیف کرده و در خصوص سیاست‌های دوطرف مذاکرات گفتند:

«تصور من این است که الان سیاست آمریکا نه برجام، نه بحران و نه جنگ است. پس بحران نمی‌خواهند، از مکانیزم ماشه استفاده نمی‌کنند، چون ما قبلا اعلام کردیم چنانچه این کار را کنید ما نه تنها از برجام بیرون می‌آییم بلکه از NPT نیز خارج می‌شویم. من در جلسات متعدد گفتم که ما به سمت چیزی می‌رویم که من اسم آن را ابهام سازنده می‌گذارم.» ایشان با اشاره به درپیش بودن انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و تردیدهای دولت فعلی این کشور در خصوص ریسک کردن بر سر احیای برجام، بایدن را فردی عاقل دانسته و گفتند:

«بایدن نمی‌خواهد اوضاع را بحرانی کند، زیرا بحران جدید به نفع او نیست. در این شرایط به نفع خود ما هم نیست



سپس دکتر کیهان برزگر از منظر ژئوپلتیک به بررسی موضوع پرداخته، و با اشاره به توافق ایران و عربستان و جنگ اوکراین به عنوان دو تحول ژئوپلتیک جدی که نوعی نقش و قدرت معادله غرب را در سیاست منطقه‌ای و جهانی تضعیف کرده، بیان داشتند که پویایی‌های ژئوپلتیک می‌توانند تأثیرات جدی بر سناریوها و اقدامات آینده داشته باشد.





ایشان درخصوص چگونگی تأثیرگذاری ژئوپلتیک بر سناریوهای آینده گفتند:

«من فکر می‌کنم که در روند ممکن است اتفاقات زیادی بیافتد و این اتفاقات در روند و سازگاری نقش بازیگران با محیط ژئوپلتیک جدید می‌افتد. پویایی آن می‌تواند کل سناریوها را جابه‌جا کند، برای همین باید نوع نگاه استراتژیک ما به گونه‌ای باشد که خود را با این روند هماهنگ کنیم. به نظر من حالت «همکاری گرفتن» در این لحظه تاریخی بسیار مهم است. به طور نمونه توافق با عربستان سعودی و بهبود روابط سبب می‌شود که عیار قدرت منطقه‌ای ایران افزایش پیدا کند. هم‌اکنون نیز تمام گروه‌های متحد و طرفدار ایران در منطقه از این توافق خوشحال هستند چرا که افزایش عیار قدرت منطقه‌ای ایران به معنی افزایش قدرت آن‌ها هم به حساب می‌آید. بنابراین من فکر می‌کنم که ژئوپلتیک عنصر تأثیرگذار در این موضوع است. از زاویه جهانی اگر ببینیم به هر حال یک جنگی بین شمال و شمال و بین روسیه و غرب در جریان است. این جنگ به هر نحوی نگاه کنید منافع ژئوپلتیک زیادی نه تنها برای کشور ما بلکه برای خیلی از کشورهای منطقه دارد. بسیاری از کشورها در منطقه و جهان از آمریکا و غرب فاصله گرفته‌اند و به نوعی خود اتکایی و بهره‌برداری از این فرصت ژئوپلتیک پرداخته‌اند.»

ایشان جنگ ژئوپلتیک اوکراین، و خروج آمریکا از منطقه را مقدمه‌ای بر افزایش همکاری‌های منطقه‌ای ارزیابی و پیش‌بینی کردند که پس از این تحولات ایران با افزایش قدرت جدی مواجه خواهد شد که بسیاری از معادلاتش را تغییر خواهد داد.

استاد برجسته واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی در ادامه مباحث خود بیان کردند که این تحول ژئوپلتیک می‌تواند معادلات و نوع مذاکرات نزدیک شدن معادله غرب (آمریکا و اروپا) و حتی معادله شرق (روسیه و چین) نسبت به ایران را تغییر بدهد. بنابراین روند و پویایی‌های ژئوپلتیک منطقه‌ای و جهانی هستند که سناریوهای آینده را تعریف می‌کنند. ایشان به فرصت‌های ژئوپلتیک پیش‌روی ایران اشاره کردند و گفتند:

«تحولات ژئوپلتیک فرصت جدی برای ایران است. برای مذاکرات، آمریکایی‌ها روی سه موضوع تاکید دارند یکی موضوع ناآرامی‌ها در ایران بود که به پایان رسید. دوم مسئله‌ی پهپادها بود که یک مسئله‌ی اروپایی و هویتی است که البته چندان تغییردهنده بازی برای اروپایی‌ها نیست ولی وصل کردن ایران به روسیه برای اروپایی‌ها یک منفعت دارد و اروپایی‌ها واقعا قبل از اینکه از موضوع هسته‌ای ایران عصبانی باشند از موضوع اینکه ایران به روسیه پهپاد داده عصبانی‌تر هستند. در نهایت سومین موضوع، نزدیک شدن ایران به گریز هسته‌ای است. اینجا هم شاید اگر ایران حل المسائلی رفتار کند، با این پویایی‌های ژئوپلتیک می‌توانیم شاهد تغییر رفتار قدرت‌های طرف مذاکره با کشورمان باشیم.»

دکتر بزرگر در ادامه با اشاره به اینکه در صورت پیچیده شدن و طولانی شدن مذاکرات اقتصاد کشور آسیب خواهد دید، توسل به راه‌های ژئوپلتیک به ویژه تقویت اقتصاد ترانزیتی را گره‌گشای این مشکل دانستند تا وابستگی اقتصاد به مذاکرات از بین برود.





در ادامه‌ی نشست دکتر مهدی خانعلی‌زاده ابتدا با تذکر اینکه تا شهریور ۱۴۰۰ هدایت مذاکرات را آقای عراقچی برعهده داشت و پایان مذاکرات نه مرداد ۱۴۰۱، بلکه آبان ۱۴۰۱ بوده است، بیان داشتند که آمریکا اساساً قصدی برای احیای برجام نداشته است.



ایشان با ذکر دلایلی از بن‌بست در برجام و مرگ آن سخن گفتند و با بیان اینکه قصد آمریکا از ابتدا هم احیای برجام نبود، افزایش زمان گریز هسته‌ای ایران، مهار منطقه‌ای و جلوگیری از کاهش تاثیر تحریم‌ها، یعنی آن نقطه بهینه که برای تحریم‌ها دیده بودند را به عنوان انگیزه‌های اصلی ادامه مذاکرات از سوی آمریکایی‌ها برشمرد.





ایشان با بیان اینکه بنا بود برجام هسته‌ای به برجام موشکی و منطقه‌ای منجر شود و ترامپ مانع شد، و به همین دلیل هیچگاه دموکرات‌ها به برجام ۲۰۱۵ بازخواهند گشت افزودند:

«زمانی که دولت بایدن سرکار آمد اگر دنبال احیای برجام بود می‌توانست اعلام کند که من به برجام برگشتم. همانطور که روز اولی که بایدن وارد کاخ سفید شد به بسیاری از توافقاتی که ترامپ از آنها خارج شده بود بازگشت، مانند توافق آب و هوایی پاریس. چرا این اتفاق نیفتاد؟ برخی می‌گویند چون ایران توافقات خود را انجام نداده بود منتظر شدند که ایران بازگردد، می‌شد اگر آمریکا می‌خواست برجام را احیا کند برگردد بگوید من برگشتم و حالا ذیل آن روند بررسی اختلافات و پیگیری تخلفات را درون برجام پیگیری کند. آمریکا اساساً دنبال احیای برجام نبود، آمریکا برجام ۲۰۱۵ را دیگر نمی‌خواست، آمریکا برجام پلاس می‌خواست. وندی شرمن صراحتاً گفت که اصلاً مطلوب ما این نبوده و ممکن نیست که ما در سال ۲۰۲۱ به برجام ۲۰۱۵ برگردیم.»

کارشناس امنیت بین‌الملل با بیان اینکه آمریکا برجام ابتدایی را هم به نیت برجام دو و سه و فراگیر شدن طراحی کرده بود، علل عدم موفقیت در مذاکرات را خوش‌بینی و نگاه اروپایی به مذاکرات، و عدم درک صحیح از ماهیت مذاکرات دانست، و معتقد بود که بسیاری از اشتباهاتی که در دوران روحانی رخ داده بود، در دوره‌ی آقای رئیسی نیز تکرار شد. دکتر خانعلی‌زاده به یک ضعف اساسی در دولت فعلی اشاره کردند و اعتقاد داشتند در راهبرد سیاست خارجی دولت آقای رئیسی اساساً گزینه عدم توافق روی میز نیست و برای مشکل اقتصاد راهبردی جز برجام ترسیم نشده است.

ایشان سه دلیل عدم تمایل دولت بایدن به احیای برجام را نگرانی از شرکای اروپایی باتوجه به مسئله روسیه، نگرانی بایدن از انتخابات پیش‌روی آمریکا و تغییرات ژئوپلیتیک برشمردند و درخصوص سناریوهای پیش‌رو افزودند:

«سناریوی پیش‌رو یکی این است که مکانیزم ماشه را فعال کنند. به هر حال این سیاه‌چاله برجام است و یکی از نقاط ضعف جدی برجام است که همان موقع هم تذکر داده شد و به دلیل آن خوش‌بینی که آن زمان وجود داشت رعایت نشد. حالا آمریکا مشکل حقوقی برای فعال کردن آن دارد اما اروپایی‌ها می‌توانند این کار را بکنند. یک گزینه این است که شورای حکام، پرونده‌ی ایران را ارجاع بدهد به شورای امنیت و از طریق سازوکار حل اختلاف پیش برود که این خیلی طول می‌کشد. یکی هم اینکه ایران این برجام پلاس را بپذیرد و از این سه حالت خارج نیست.»

دکتر خانعلی‌زاده در پایان گزاره فریز در برابر فریز دکتر هادیان را رد کرده و همچنین توافق موقت را به ضرر ایران دانستند چرا که توان قدرت‌گذاری و ابزار چانه‌زنی ایران را کاهش می‌دهد.





در دور دوم صحبت‌های این نشست، میزبان دو سؤال را از دکتر هادیان مطرح کرد. نخست اینکه میزان تقصیر آمریکا در بن بست کنونی مذاکرات تا چه اندازه است؟ و آیا آمریکا واقعا قصد احیای برجام را دارد؟ و دوم در خصوص پیشنهاد فریز در برابر فریز، محدودیت‌هایی مانند نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران به صورت کمی کاملا قابل ارزیابی است اما مسئله‌ی تحریم و راستی‌آزمایی رفع آن به این اندازه قابل سنجش نیست. این دو موضوع را چگونه می‌توان متناسب سازی کرد؟ و مابه ازای این محدودیت‌ها چه چیزی باید دریافت شود؟

دکتر هادیان در پاسخ به سوالات ابتدا گفتند که نه فریز در برابر فریز نه توافق موقت را مدنظر ندارند و مطلوب نمی‌دانند. ایشان تأکید کردند در وضعیت فعلی تنها دو گزینه مطرح است، حفظ وضع موجود یا بحران سازی. که ادامه وضع موجود در دو حالت توافق موقت یا فریز در برابر فریز امکان پذیر است.





دکتر هادیان با یادآوری مطلوب نبودن بحران‌سازی دربره کنونی، پیشنهادهای مطرح شده را اجباری دانستند. ایشان با تأکید بر اینکه ارائه چنین پیشنهادهایی مبتنی بر وضع کنونی جریان مذاکرات است، افزودند:

«من گفتم که دو آلترناتیو جلوی ما است. یک ادامه وضع موجود یکی هم بحران‌سازی. ادامه وضع موجود دو حالت می‌تواند داشته باشد، فریز در برابر فریز و یکی هم توافق موقت من هیچکدام را دوست ندارم. حتی برجام را هم می‌دانید نه کسی مانند من برجام را نقد کرده و نه کسی مانند من از برجام حمایت کرده است.»

دکتر هادیان از روند کنونی وزارت خارجه و عدم آشنایی دیپلمات‌های ارشد کشور با زبان انگلیسی انتقاد کرده و با وجود تمجید از محمدجواد ظریف، وزیر سابق امور خارجه، خود را به عنوان یک منتقد جدی برجام حتی از ابتدای این توافق برشمرد و به شدت از عدم توجه به مسئله مکانیسم ماشه در زمان انعقاد برجام پرداخت و گفت:

«انتقاد من خیلی بیشتر روی همین مکانیزم ماشه بود و اینکه ما اول همه چیز را می‌دهیم و بعد باید توکل کنیم.»

دکتر هادیان همچنین به مقایسه دو رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا پرداخته و ضمن بیان توانایی‌های او با ما افزودند: «هیچ کدام از رئیس‌جمهورهای آمریکا توان فکری او با ما را ندارند. ذهن تئوریک و آشنا به مباحث عملی و اشراف بر مباحث از نقاط قوت او بود، برخلاف بایدن که هیچی نمی‌داند، او خط به خط برجام را می‌دانست. می‌خواست یک برخورد دیگری را با ایران شروع کند و اینکه اعراب از او متنفر هستند به این دلیل است که داشت مسیر دیگری را می‌رفت.» سپس در ادامه دکتر بزرگ‌مشکلات ایران و آمریکا را عمیق‌تر از آن دانست که با برجام حل شود و آن را به چیزی شبیه به مسئله تقابل عمیق و طولانی آمریکا و روسیه تشبیه کردند.

ایشان افزودند مشکل ایران و آمریکا هم یک تضاد استراتژیک انباشت شده است که روز به روز بیشتر می‌شود که علت آن نه صرفاً منطق ایدئولوژیک بلکه همزمان منطق ژئوپلیتیک هم است. به این معنا که عیار قدرت ایران در حال افزایش است و حرف خود را در درون منطقه می‌زند و روندهای مستقل خود را دارد و این با روندهای آمریکا در تعارض است. یک قدرت بزرگ منطقه‌ای همچون ایران به هیچ عنوان تحمل حضور یک قدرت بزرگ خارجی را در مرزهای بلافصل خود ندارد. ایران هزینه‌های حضور آمریکا در منطقه را افزایش و این کشور را وادار به خروج از میدان‌های منطقه کرده است. به عبارت دیگر، استراتژی مقاومت ایران و هزینه‌ساز کردن حضور آمریکا در درون منطقه در افغانستان، سوریه، عراق، لبنان و یمن باعث شده که آمریکایی‌ها توان تاثیرگذاری بر روندهای سیاسی-امنیتی در منطقه را تا حد زیادی از دست بدهند.





به عقیده ایشان از یک زاویه استراتژیک، تضاد دائمی ژئوپلیتیک بین ایران و آمریکا ملموس خواهد بود، چه با وجود برجام و مذاکرات هسته‌ای چه بدون آن. آمریکایی‌ها هم از این زاویه موضوع را می‌بینند. به عقیده این استاد دانشگاه چین و روسیه برای تکمیل زنجیره تاثیرگذاری ژئوپلیتیک خود به نقش آفرینی کشورمان نیاز دارند و این می‌تواند ابزار کسب امتیازات بیشتر برای ایران باشد.

دکتر برزگر ضمن تاکید بر تاثیر مهم مسائل ژئوپلیتیک بر روند مذاکرات افزودند:

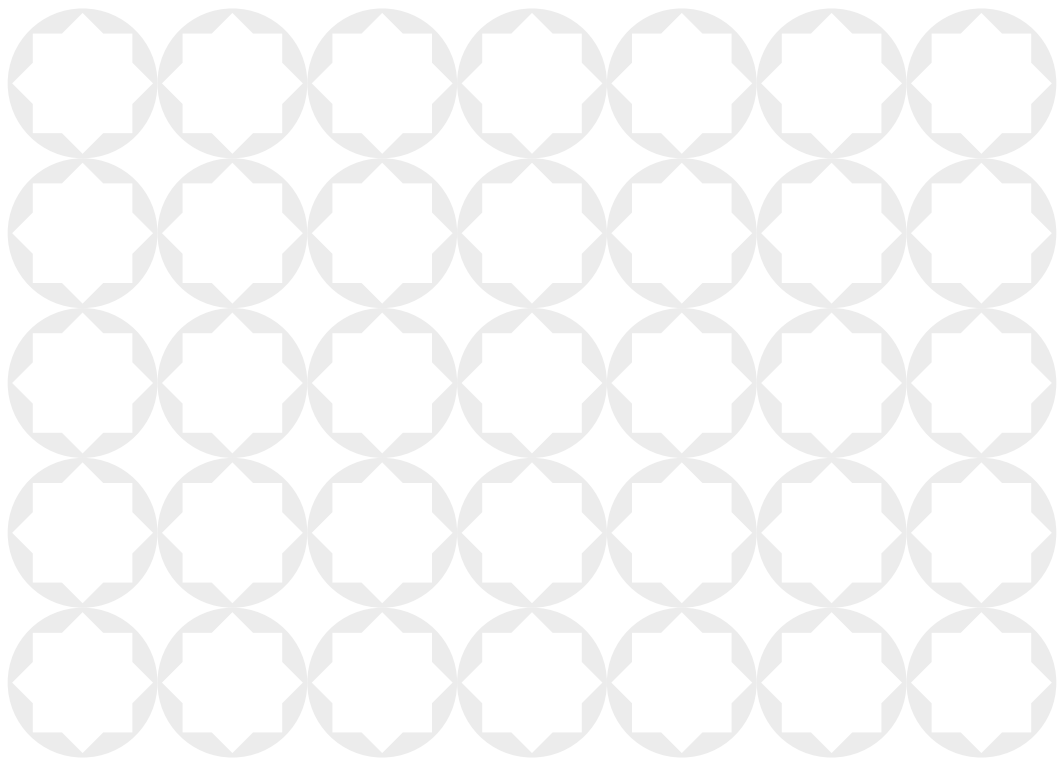
«اگر ایران بخواهد یک پویایی جدید ژئوپلیتیک بدهد بهترین کار این است که همین محور عربستان، ترکیه، روسیه، چین و هند را به عنوان یک نوعی هاب تقویت کند. این پیام جدی برای اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها دارد. ما در دوران گذار از نظم جهانی هستیم. اگر مذاکرات هسته‌ای را با یک پویایی ژئوپلیتیک سازگار کنیم به اعتقاد من می‌تواند برگ برنده ما باشد.» ایشان در جمع‌بندی سخنان خود بیان کردند که ایران اکنون در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند نقش آفرینی خود را در ابعاد بزرگتری دنبال کند و با عناصر ژئوپلیتیک و استراتژیک معادلات سیاسی را به سود خود تغییر دهد.





در ادامه دکتر خانعلی زاده پرسشی را مطرح کردند مبنی بر اینکه آیا چیزی که آمریکا می خواهد برجام است یا برجام پلاس، که پاسخ دکتر هادیان به این پرسش این بود که برجام پلاس خواسته گروه های داخلی ایران است و آمریکا با علم به اینکه نمی تواند به خواسته های فرابرجامی خود برسد خواهان همان برجام ۲۰۱۵ است. سپس دکتر خانعلی زاده راهکار را نه در صحبت و مذاکره با مالی یا اشخاص دیگری از آمریکا بلکه یک هماهنگی داخلی و واکنشی از جانب خود، و یک نمایش قدرتمند که تبعات مکانیزم ماشه برای طرف مقابل بالا ببرد دانستند. در پاسخ به سخنان ایشان دکتر هادیان بار دیگر تبعات سیاست بحران سازی را مطرح کرده و گفتند:

«ما باید با فرض این تولید بحران کنیم که یک دستاوردی بعد از آن به دست بیاوریم. یعنی آمریکا را مجبور کنیم به یک سری مسائل تن بدهد. آمریکایی ها هم الان در خود هسته ای متمرکز هستند. بنابراین با انجام اقداماتی می توانیم به نتیجه برسیم. مثلاً ما ۵ سال به بندهای غروب اضافه کنیم. به جای اینکه ۵ هزار سانتریفیوژ داشته باشیم ۳ هزار داشته باشیم، به جای اینکه ۳۰۰ کیلو اورانیوم داشته باشیم، ۲۰۰ کیلو داشته باشیم. بنابراین ما باید یک چیزهایی بدهیم و بگیریم اما من این را زمانی گفتم که ظریف سرکار بود. نه آن ها گوش کردند و نه این ها انجام دادند. الان دیگر زمان مذاکره نیست این مذاکره ممکن است ۲ سال زمان ببرد، این نیست که ما برویم آن ها بگویند چشم. این یک مذاکره طولانی می خواهد. هر چیزی یک زمانی دارد.»



ISA CENTER
International & Strategic
Analysis Center